

## درس اول: موفقیت را فراموش کنید!

علی کوجاروزنامه زمان ۳ آوریل ۲۰۱۲

مرجانه ساتراپی کارگردان ایرانی، با دومین فیلم خود با عنوان «در انتظار عزرائیل» مهمان جشنواره فیلم استانبول است. ساتراپی در مقابل دوستداران سینما چنین هشدار داد: «هر نوع موفقیتی را که به دست آورده‌اید، فراموش کنید. چرا که موفقیت مانند سگی است که گلوی شما را چسبیده و مانع پیشرفتتان می‌شود. دست به کار شوید، به شکلی که گویی قبلاً کاری انجام نداده‌اید»

دومین درس کلاس مهارت جشنواره فیلم استانبول را مرجانه ساتراپی ارائه داد. کارگردان زن ایرانی که ابتدا با فیلم «پرسپولیس» در یک آن توجه‌ها را به خود جلب کرد و در جشنواره فیلم کانس در سال ۲۰۰۷ نامزد اسکار فیلم خارجی شد و جایزه ویژه داوران را به خود اختصاص داد؛ در مقابل دوستداران سینما قرار گرفت. کارگردان جوان که دومین فیلمش با نام «در انتظار عزرائیل» در جشنواره به نمایش گذاشته شده، سخنانش را با این جمله که: ۲۰ سال قبل به استانبول آمده بود، شروع کرد. «ماه ژانویه بود و هوا بسیار سرد؛ استانبول شهر بسیار بسیار الهام‌دهنده و تاثیرگذاری است.»

بدیهی است که «پرسپولیس» یک رمان مصور است؛ کارگردان جوان آن را به صورت سیاه و سفید، به همراه کارگردان فرانسوی وینسنت پاروناود به تصویر کشیده بود، با استفاده از داستان زندگی خود، قبل و بعد از انقلاب؛ و آنچه را که بر سرش آمده از نگاه یک دختر جوان روایت می‌کند. ساتراپی می‌گوید که اصلاً به فکر ساختن فیلم پرسپولیس نبوده؛ وی چگونگی پذیرفتن پروژه را این‌گونه توضیح می‌دهد: «وقتی آن را به من پیشنهاد کردند، به نظرم فکر بسیار بدی آمد، خیلی پافشاری کردند. مجبور شدم قبول کنم و گفتم که نهایتاً فیلم بسیار بدی از آب درمی‌آید و این هم اولین و آخرین فیلم من می‌شود.»

در این برنامه مدیریت آن را اسین کوچوک‌تپه‌پینار نویسنده سینما بر عهده داشت، مرجانه ساتراپی با هیجان و انرژی درس اول خود را ارائه داد و ۴۵ دقیقه اول را بدون این‌که سوالی بپذیرد، حرف زد. صحبت نامزدی اسکار هم به میان آمد. وی در مراسم اعطای جایزه که وی آن را: «پر استرس‌ترین کار دنیا» خواند، با تشبیه خود به پرنده‌ای که از جنگلهای آمازون فرار کرده، افرا داخل سالن را خندانند. ساتراپی که سینمای آمریکا را بسیار محافظه‌کار توصیف کرده بود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت معمولاً «نام ایران شهرت یافته»، این رفتار را مورد انتقاد قرار داد: «می‌خواهند که مسلماً در فیلم پیامی وجود داشته باشد. هنگامی که تهیه‌کننده‌ها سناریو را دیدند، گفتند که: این فیلم چه پامی دارد؟ چیزی را درباره زندگی بیان می‌کنیم. آیا این کافی نیست؟»

ساتراپی از مناقشه‌ای که با سین پین در زمان عضویتش در هیأت داوران کانس به مدیریت وی داشت نیز سخن به میان آورد: «سین پین گفت که: فیلم‌هایی را ترجیح دهیم و حمایت کنیم که

پیامهای اجتماعی جدی دارند. من اعتراض کردم: آنچه در اولویت اول است زیبایی فیلم و خوب بودن زبان سینمایی آن است، در کنار اینها اگر یک مسأله اجتماعی هم داشت، آن را مورد توجه قرار دهیم. اما چطور می‌توان تنها به این بعد نگاه کرد.»

مرجان ساتراپی گفت که: «سینما روایت داستان نیست، بلکه یک زبان است» و افزود: «در بعضی از فیلم‌ها دوربین تکان می‌خورد. وظیفه دوربین این نیست که جای تماشاگر را بگیرد. هر کس، در هر لحظه تکان نمی‌خورد. مردم وقتی این تکان‌ها را تماشا می‌کنند، فقط می‌خواهند حالشان به هم خورد.»

کارگردان جوان ایرانی به آنهایی که در ابتدای راه هستند هشدار مهمی داد: «هر نوع موفقیتی را که به دست آورده‌اید، فراموش کنید. چرا که موفقیت مانند سگی است که گلوی شما را چسبیده و مانع پیشرفتتان می‌شود. دست به کار شوید، به شکلی که گویی قبلاً کاری انجام نداده‌اید.»

وقتی که شخص مورد بحث یک سینماگر ایرانی باشد، تبعاً ایران و سینمایش هم وارد بحث شد. ساتراپی در جواب سوالهایی که در مورد سینمای ایران بود، فقط به توضیح این‌که: «دوران کودکیم در ایران گذشت؛ زندگی کاری ام هم در فرانسه، فقط در مورد ایران فیلمی به تصویر کشیدم» احساس نیاز کردم. وی همچنین گفت که سینمای ایران از فرهنگ ایرانی نشأت می‌گیرد و قبل از انقلاب هم سینمای ایران، سینمای بزرگی بود. فقط هنگامی که سخن به موفقیت در جشنواره رسید، گفت: فیلمسازی برای جشنواره مد شده و این چیزی است که او دوست ندارد. «این فیلم‌ها را در ایران کسی نگاه نمی‌کند. فقط برای جشنواره ساخته می‌شوند»، با این وجود اضافه کرد که وی شیفته سینماگران درجه اول ایران و در صدر آنها عباس کیارستمی است.

«ایران مادر من است. اگر مرد بودم، ایران مادرم و فرانسه هم همسر من می‌شد. انسان ممکن است همسرش را طلاق بدهد، فریب بدهد، ترک کند. الان نمی‌خواهم طلاقش بدهم، این موضوع دیگری است. اما آدم تنها یک مادر دارد. او را نمی‌تواند ترک کند، برعکس، خیلی هم دوستش دارد؛ حتی اگر مرا بیرون کند، بگریاند و ناراحتم کند»